



رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها در زبان آذربایجانی*

اسماعیل صفائی اصل^۱

چکیده

مقاله حاضر در چارچوب مقاله درایر (۱۹۹۲) 'ترتیب واژه' را در گونه معیار زبان آذربایجانی، متعلق به شاخه غربی جنوبی زبان‌های ترکی تبار، توصیف می‌کند. نتایج به دست آمده از این توصیف نشان می‌دهد که آذربایجانی هم در مقایسه با زبان‌های اروپا-آسیا و هم در مقایسه با زبان‌های جهان، غالباً دارای مؤلفه‌های زبان‌های 'فعل‌پایانی قوی' (فعل پس از مفعول) است. این زبان در مقایسه با زبان‌های اروپا-آسیا دارای ۲۲ مؤلفه از مؤلفه‌های زبان‌های فعل‌پایانی قوی و برخوردار از ۱۴ مؤلفه از مؤلفه‌های زبان‌های 'فعل‌میانی قوی' (فعل پیش از مفعول) می‌باشد و در مقایسه با زبان‌های جهان دارای ۱۸ مؤلفه از مؤلفه‌های زبان‌های فعل‌پایانی قوی و برخوردار از ۱۲ مؤلفه از مؤلفه‌های زبان‌های فعل‌میانی قوی است. گفتنی است که ۵ مؤلفه از مؤلفه‌های زبان‌های فعل‌میانی قوی، هم در مقایسه با زبان‌های اروپا-آسیا و هم در مقایسه با زبان‌های جهان، ۱ مؤلفه از مؤلفه‌های زبان‌های فعل‌پایانی قوی در مقایسه با زبان‌های اروپا-آسیا و ۲ مؤلفه از مؤلفه‌های زبان‌های فعل‌پایانی قوی در مقایسه با زبان‌های جهان، در آذربایجانی محصول تماس این زبان با زبان فارسی و همگرایی با آن هستند.

کلیدواژه‌ها: رده‌شناسی زبان، ترتیب واژه، زبان آذربایجانی.

* نگارنده در نگارش این مقاله از راهنمایی‌ها و نقطه‌نظرات ارزنده جناب آقای دکتر محمد دبیرمقدم، استاد زبان‌شناسی همگانی دانشگاه علامه طباطبائی، بسیار بهره برده است. بدین سبب مراتب امتنان خود را از آن استاد فرهیخته ابراز می‌دارم.

۱. مقدمه

یکی از مؤلفه‌های بنیادی در رده‌شناسی زبان^۱ 'ترتیب واژه'^۲ یا به بیانی دقیق‌تر 'ترتیب سازه'^۳ است (رک. کامری^۴ ۱۹۸۹، ص ۴۲ و ۸۶). رده‌شناسی ترتیب واژه/سازه^۵ خود بر پایهٔ تعدادی مؤلفه استوار است. در این‌جا به‌منظور اجتناب از اطناب، به ذکر تعدادی از این مؤلفه‌ها بسنده می‌کنیم:^۶ (۱) توالی سازه‌های اصلی بند، (۲) توالی سازه‌های گروه اسمی، (۳) نوع حرف اضافه^۷ و (۴) ترتیب فعل کمکی^۸ و فعل اصلی^۹. به اعتقاد کامری (همان، ص ۹۲)، باوجود این‌که چنین مؤلفه‌هایی به لحاظ منطقی مستقل از یکدیگر هستند اما چنین می‌نماید که می‌توان بین این مؤلفه‌ها همبستگی‌های^{۱۰} بسیاری را یافت که به لحاظ آماری معنی‌دار هستند. به گفتهٔ کامری (همانجا)، تعداد بسیار زیادی از چنین همبستگی‌ها را گرینبرگ^{۱۱} (۱۹۶۶b) به دست داده است.^{۱۲}

در خصوص همبستگی بین مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه، درایر (۱۹۹۲) در مقالهٔ خود با عنوان 'همبستگی‌های ترتیب واژه گرینبرگی'^{۱۳} وجود همبستگی بین ترتیب فعل و مفعول از یک‌سو و ترتیب جفت‌های خاصی از عناصر دستوری از سوی دیگر را مورد بحث و بررسی قرار داده است. درایر (همان، ص ۸۲) برای اشاره به این جفت‌ها از اصطلاح 'جفت‌های همبستگی'^{۱۴} استفاده کرده است و آن‌ها را به شکل زیر تعریف کرده است: "اگر توالی یک جفت عنصر X و Y به ترتیب با توالی فعل و مفعول همبستگی نشان دهد، آن‌گاه جفت X و Y یک 'جفت‌های همبستگی' خوانده می‌شود و در این جفت همبستگی، X 'هم‌الگو با فعل'^{۱۵} و Y 'هم‌الگو با مفعول'^{۱۶} دانسته می‌شود. به‌عنوان نمونه، از آن‌جائی که زبان‌های OV

1. language typology

2. word order

درایر (Dryer) (۲۰۰۷، ص ۶۱) 'ترتیب واژه' را به شکل زیر تعریف کرده است: "ترتیب واژه عموماً به ترتیب هر مجموعه‌ای از عناصر، خواه در سطح بند و خواه در درون عبارات همچون ترتیب عناصر در درون یک عبارت اسمی، اشاره دارد."

3. constituent order

4. Comrie

5. word/constituent order typology

۶. برای آگاهی از فهرست کامل این مؤلفه‌ها و توضیحات آن‌ها رک. کامری (همان، ص ۸۷-۹۱).

7. adposition

به گفتهٔ کامری (همان، ص ۹۱)، این اصطلاح در دستور سنتی وجود نداشت بلکه محصول رده‌شناسی نوین است و مشتمل بر پیش‌افزافه (preposition) و پس‌افزافه (postposition) است. وی این اصطلاح را به شکل Ap کوتاه‌نویسی کرده است.

8. auxiliary verb

9. main verb

10. correlations

11. Greenberg

۱۲. برای آگاهی بیش‌تر از همبستگی‌های گرینبرگ رک. کامری (همان، ص ۹۴-۹۵).

13. The Greenbergian Word Order Correlations

14. correlation pairs

15. verb patterner

16. object patterner

تمایل به پس‌اضافه‌ای^۱ بودن و زبان‌های VO تمایل به پیش‌اضافه‌ای^۲ بودن دارند می‌توان گفت که جفت <حرف اضافه و گروه اسمی> یک جفت همبستگی است و بر اساس این جفت، حروف اضافه^۳ هم‌الگو با فعل^۴ (x) و گروه‌های اسمی همراه آن حروف اضافه،^۵ هم‌الگو با مفعول^۶ (y) می‌باشند. شایسته ذکر است که در این مقاله یاد شده، ۲۳ جفت همبستگی به دست داده است و برای هر مورد^۷ جفت همبسته^۸ یک جدول مستقل^۹ ارائه کرده است.

دبیرمقدم (۱۳۹۲) در چارچوب مقاله یاد شده^{۱۰} در این بررسی رده‌شناختی ترتیب واژه‌ها در زبان فارسی و نیز تعدادی از زبان‌های ایرانی متداول در قلمرو جغرافیایی ایران، یعنی زبان‌های بلوچی، دوانی، لارستانی، تالشی، وفسی، کردی، اورامی، لکی، دلواری، نائینی، شه‌میرزادی و تاتی، پرداخته است. در این جا به اختصار به معرفی پژوهش دبیرمقدم در خصوص رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها در زبان فارسی می‌پردازیم. دبیرمقدم با بررسی ۲۴ جفت همبستگی موجود در زبان فارسی^{۱۱} وضعیت این زبان را در ارتباط با هر یک از آن جفت همبستگی‌ها با ستون مربوط به منطقه اروپا-آسیا (زیرا زبان فارسی به آن منطقه متعلق است) و ستون جمع (ستون مربوط به گروه‌زبان‌های^{۱۲} جهان) در مقاله^{۱۳} در این بررسی نشان داد که زبان فارسی هم در مقایسه با زبان‌های منطقه خود (اروپا-آسیا) و هم در مقایسه با زبان‌های جهان گرایش به سوی زبان‌های^{۱۴} فعل‌میانی قوی^{۱۵} (فعل پیش از مفعول) دارد. به بیانی دقیق‌تر، زبان فارسی در مقایسه با زبان‌های اروپا-آسیا دارای ۱۲ مؤلفه از مؤلفه‌های زبان‌های^{۱۶} فعل‌پایانی قوی^{۱۷} (فعل پس از مفعول) و برخوردار از ۱۷ مؤلفه از مؤلفه‌های زبان‌های فعل‌میانی قوی می‌باشد. این نسبت تقریباً عیناً در مقایسه با زبان‌های جهان نیز مشهود است (۱۵ مؤلفه در برابر ۱۹ مؤلفه) (دبیرمقدم، همان، ص ۱۲۸). دبیرمقدم (همانجا) بر پایه این مشاهدات چنین فرضیه‌پردازی کرده است که زبان فارسی در مرحله^{۱۸} تغییر رده^{۱۹} است. نگارنده این سطور نیز با الگوگیری از دبیرمقدم (همان) تلاش کرده است ۲۴ مؤلفه رده‌شناختی ترتیب واژه‌ها را در مورد زبان آذربایجانی در ایران بسنجد و از این طریق وضعیت رده‌شناختی این زبان را با توجه به این مؤلفه‌ها توصیف کند.

1. postpositional

2. prepositional

۳. در جدول‌های موجود در مقاله^{۲۰} در این جهان به شش منطقه جغرافیایی شامل آفریقا، اروپا-آسیا (به استثنای جنوب شرقی آسیا)، جنوب جنوب شرقی آسیا و اقیانوسیه، استرالیا و گینه نو، آمریکای شمالی و آمریکای جنوبی تقسیم شده است و برای هر منطقه جغرافیایی آمار همبستگی بین مؤلفه مورد نظر و ترتیب مفعول و فعل و نیز فعل و مفعول به تفکیک آورده شده است (نقل شده در دبیرمقدم، همان، ص ۱۲۰).

۴. دبیرمقدم (همان، ص ۱۱۷-۱۱۸) تصریح کرده است که ۱۸ مورد از ۲۴ جفت همبستگی یاد شده از مقاله^{۲۱} در این و ۶ مورد دیگر از پایگاه داده‌های کنونی در این دست آمده است.

5. genera

6. strong verb medial

7. strong verb final

۲. زبان آذربایجانی

آذربایجانی متعلق به گروه زبان‌های اوغوز^۱ یا گروه زبان‌های غربی جنوبی زبان‌های ترکی تبار^۲ است (منگس^۳ ۱۹۹۵، ص ۶۰؛ یوهانسون ۱۹۹۸a، ص ۸۲). به بیانی دقیق‌تر، زبان آذربایجانی به شاخه غربی گروه زبان‌های اوغوز یا گروه زبان‌های غربی جنوبی زبان‌های ترکی تبار تعلق دارد. زبان‌های ترکی تبار هم، شاخه غربی خانواده زبانی آلتایی^۴ را تشکیل می‌دهند (منگس، همان، ص ۶۱). بر این اساس، می‌توان گفت که زبان آذربایجانی به شاخه غربی گروه زبان‌های اوغوز از زبان‌های ترکی تبار ذیل شاخه غربی زبان‌های آلتایی تعلق دارد. زبان آذربایجانی، چه در داخل ایران و چه در خارج از آن، در مناطق جغرافیایی مختلفی تکلم می‌شود. از میان مناطق جغرافیایی خارج از ایران که در آن‌ها زبان آذربایجانی تکلم می‌شود، می‌توان به جمهوری آذربایجان^۵، نواحی شرقی ترکیه، و جنوب گرجستان اشاره کرد.^۶ در داخل ایران نیز، مناطق جغرافیایی متعددی وجود دارد که زبان مادری بومیان آن‌ها آذربایجانی است. گویشوران بومی زبان آذربایجانی در ایران عمدتاً در استان‌های شمال غرب کشور، یعنی آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، اردبیل و زنجان، زندگی می‌کنند. بر این اساس، می‌توان گفت که آذربایجانی در ایران دارای گویش‌های منطقه‌ای متعددی است. شایسته ذکر است که پژوهش حاضر بر گویش منطقه‌ای تبریز - مرکز استان آذربایجان شرقی - متمرکز است.

1. Oghuz/ Oğuz

یوهانسون (Johanson) (۱۹۹۸a، ص ۸۲) گروه زبان‌های اوغوز را به سه دسته تقسیم کرده است: (الف) شاخه غربی که مشتمل بر زبان‌های ترکی (Turkish)، گاگاوز (Gagauz) و آذربایجانی است، (ب) شاخه شرقی که زبان‌های ترکمنی و ترکی خراسانی را شامل می‌شود و (ج) شاخه جنوبی که ذیل آن زبان‌های قشقایی، سنقری (Sonqori)، آینالو و غیره در ایران و افغانستان قرار دارند.

2. Turkic

زبان‌های ترکی تبار بر اساس تقسیم‌بندی یوهانسون (همان، ص ۸۲-۸۳) بر مبنای توزیع جغرافیایی و ویژگی‌های نسبی و رده‌شناختی آن‌ها ذیل شش شاخه قرار گرفته‌اند: (۱) شاخه غربی جنوبی یا گروه زبان‌های اوغوز، (۲) شاخه غربی شمالی یا گروه زبان‌های قیپچاق (Kipchak)، (۳) شاخه شرقی جنوبی یا گروه زبان‌های اویغور (Uyghur)، (۴) شاخه شرقی شمالی یا گروه زبان‌های سیبری (Siberian)، (۵) چوواش (Chuvash)، تنها زبان باقی مانده گروه زبان‌های اغور (Oghur) یا بلغار (Bulghar) و (۶) خَلج، تنها زبان باقی مانده گروه زبان‌های آرغو (Arghu). شایسته ذکر است که در این جا به منظور پرهیز از اطناب، تنها فهرست شاخه‌ها ذکر شده است.

3. Menges

4. Altayic/Altaic

به گفته منگس (همان، ص ۶۱)، خانواده زبانی آلتایی مشتمل بر زبان‌های ترکی تبار، مغولی، و مانچو-تونقوز (Manchu-Tungus) است. ایگاراشی (Igarashi) (۲۰۰۳) بر اساس دیدگاه اندیشمندانی همچون پوپ (Poppe) (۱۹۶۵)، چپو (Chew) (۱۹۷۶) و مارتین (Martin) (۱۹۹۱) زبان کره‌ای را هم یک زبان آلتایی قلمداد می‌کند و چنین گمانه‌زنی می‌کند که زبان ژاپنی با کره‌ای و زبان‌های آلتایی مرتبط است. وی به کمک شواهد زیست‌شناختی اثبات می‌کند که زبان ژاپنی به لحاظ نسبی با زبان کره‌ای مرتبط است. ایگاراشی چنین استدلال می‌کند که از آن جایی که زبان کره‌ای به خانواده زبانی آلتایی متعلق است زبان ژاپنی هم به این خانواده تعلق دارد.

۵. در جمهوری آذربایجان، آذربایجانی زبان رسمی است.

۶. از آن جایی که پژوهش حاضر بر زبان آذربایجانی در ایران متمرکز است از ورود به جزئیات گویش‌های منطقه‌ای (regional dialects) خارج از ایران خودداری می‌شود.

۳. رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها در زبان آذربایجانی

این بخش مشتمل بر دو زیربخش است. در زیربخش اول، مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه‌ها^۱ در مورد زبان آذربایجانی سنجیده می‌شوند و در زیربخش دوم، وضعیت رده‌شناختی این زبان با توجه به این مؤلفه‌ها توصیف می‌شود.

۱-۳. مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب واژه‌ها

مؤلفه ۱: نوع حرف اضافه (پیش‌اضافه یا پس‌اضافه؟)

آذربایجانی زبانی پس‌اضافه‌ای است. به گفته لی^۲ (۱۹۹۶، ص ۸۱)، بسیاری از پس‌اضافه‌ها در زبان آذربایجانی کلمات واژگانی^۳ آزاد هستند اما تعدادی از آن‌ها در هیأت پسوند^۴ نمود می‌یابند. تعدادی از پس‌اضافه‌های زبان آذربایجانی عبارت‌اند از "üçün"^۵ "برای، به خاطر، با هدف"، "cimi یا cimin"^۶ "مثل، تا، به محض این که"، "tæræf" "به سمت" و "jan" - "تا". مثال زیر نمونه‌ای از کاربرد پس‌اضافه‌ها در زبان آذربایجانی است.

(1) *cimi tün*

مثل خورشید

'مثل خورشید' (لی، همانجا)

مؤلفه ۲: توالی هسته اسمی و بند موصولی (هسته اسمی پیش از بند موصولی یا پس از آن؟)

۱. در ارتباط با مؤلفه‌های رده‌شناختی مطرح در این مقاله، ذکر سه نکته ضروری می‌نماید: (الف) مؤلفه‌های ۱ تا ۱۹ مبتنی بر داده‌های موجود در مقاله درایر (۱۹۹۲) و نیز روزآمدترین نسخه آن داده‌ها، یعنی درایر (۲۰۱۴)، هستند. ذکر این نکته ضروری می‌نماید که روزآمدترین نسخه داده‌های یاد شده را درایر از روی لطف پیرو درخواست نگارنده در ماه ژوئیه سال ۲۰۱۴ از طریق پست الکترونیکی در اختیار صاحب این قلم قرار داد. گفتنی است که اولاً، به گفته درایر (۲۰۱۴)، تعداد زبان‌های موجود در پایگاه داده‌های کنونی وی تقریباً سه برابر تعداد زبان‌هایی است که در پایگاه داده‌های مقاله (۱۹۹۲) او، یعنی ۶۲۵ زبان (دبیرمقدم، همان، ص ۱۱۷)، موجود است و ثانیاً، با مقایسه آمار همبستگی در جدول‌های موجود در مقاله (۱۹۹۲) درایر و جدیدترین نسخه آن آمار می‌توان به این نکته پی برد که از میان ۱۹ مؤلفه اول در مقاله حاضر تنها در ۳ مؤلفه، یعنی مؤلفه‌های ۳ (توالی مضاف و مضاف‌الیه)، ۱۰ (توالی صفت اشاره و اسم) و ۱۷ (توالی عدد و اسم)، می‌توان تغییراتی را به لحاظ آمار همبستگی مشاهده کرد. به عنوان نمونه، در مقاله درایر (۱۹۹۲) عدد همبستگی بین ترتیب فعل + مفعول و ترتیب مضاف‌الیه + مضاف در ستون اروپا-آسیا، یعنی ۴، کم‌تر از عدد همبستگی بین ترتیب فعل + مفعول و ترتیب مضاف + مضاف‌الیه در همان ستون، یعنی ۵، است. این در حالی است که در جدیدترین نسخه، عدد همبستگی اول، یعنی ۷، بیش‌تر از عدد همبستگی دوم، یعنی ۶ است، (ب) داده‌های مربوط به مؤلفه ۲۳ از دبیرمقدم (همان، ص ۱۲۷) به دست آمده است و (ج) مؤلفه‌های باقی مانده تنها مبتنی بر روزآمدترین نسخه داده‌های درایر می‌باشند، چرا که آن‌ها در مقاله درایر (۱۹۹۲) مطرح نیستند.

2. Lee

3. lexical words

4. suffix

۵. در ارتباط با تمامی نمونه‌های موجود در این مقاله ذکر دو نکته ضروری می‌نماید: (الف) نمونه‌ها به روش آوانگاری IPA نوشته شده‌اند. بر این اساس و به منظور حفظ یکدستی در شیوه آوانویسی، تقطیع کلمات، عبارات، و جملات به تکواژهای سازنده‌شان، و نیز ترجمه تکواژها در مقاله حاضر، نگارنده تغییراتی را در آوانویسی، تقطیع و ترجمه تکواژها در نمونه‌های برگرفته از دیگران اعمال کرده است و (ب) نمونه‌های ارائه شده از کاربرد جفت‌های همبسته در هر مؤلفه به صورت سیاه بازنمائی شده‌اند.

همچنان که دلجوی (۱۳۷۶، ص ۶۵) هم گفته است آذربایجانی نمونه‌ای از زبان‌های چپ‌انشعابی^۱ است. بنابراین، عناصر وابسته پیش از عناصر مستقل می‌آیند. بر این اساس، انتظار می‌رود که بند موصولی در مقام یک بند وابسته پیش از هسته اسمی بیاید.

(2) **mænjæləb-lar-da üz-æn ördæɟ-i durna elə-di-m**

۱ش م- گذشته- کن درنا مفعولی^۲- اردک پسوند موصولی ساز^۳- شنا کن مکانی^۴- جمع- منجلاب
 'اردکی را که در منجلاب شنا می‌کرد درنا کردم.' (شهریار، ص ۲۳۰)

با این حال، دلجوی (همان، ص ۶۵-۶۸) در بررسی ساخت موصولی در آذربایجانی امکان رخداد بند موصولی پس از هسته اسمی را هم متذکر شده است. دو جفت نمونه زیر که برگرفته از دلجوی (همان، ص ۶۶-۶۷) هستند، شواهدی برای دو نوع بند موصولی (بند موصولی پیش‌رو^۵ (مثال ۳/۱) و بند موصولی پس‌رو^۶ (مثال ۳/۲)) در آذربایجانی می‌باشند. شایسته ذکر است که امکان رخداد بند موصولی پس از هسته اسمی در زبان آذربایجانی محصول تماس این زبان با زبان فارسی بوده است.^۷

(3/1) **xarij -æ ɟed -æn yoldaş-ım ɟæl-di**

۳ش م. گذشته- بیا ۱ش م. ملکی^۸- دوست پسوند موصولی ساز- برو متممی^۹- خارج
 'آن دوستم که به خارج رفته بود آمد.'

(3/2) **o yoldaş-ım ci xarij -æ ɟed -miş-di**

۳ش م. گذشته - نمود کامل^{۱۰}- برو متممی- خارج که ۱ش م. ملکی- دوست آن
 ɟæl-di
 ۳ش م. گذشته- بیا

'آن دوستم که به خارج رفته بود آمد.'

همچنان که دیدیم در زبان آذربایجانی بند موصولی می‌تواند هم پیش از هسته اسمی و هم پس از آن بیاید. از این رو، در ستون ۲ جدول‌های ۱ و ۲ هر چهار امکان علامت‌گذاری شده‌اند. مؤلفه^۳: توالی مضاف و مضاف‌الیه (مضاف پیش از مضاف‌الیه یا پس از آن؟)

1. left branching
2. accusative
3. relativizer
4. locative
5. pre-nominal
6. post-nominal

۷. یوهانسون (۱۹۹۸b، ص ۳۳۲) تصریح کرده است که الگوهای هسته‌آغازین (head-initial) فارسی جایگزین الگوهای هسته‌پایانی (head-final) زبان‌های ترکی تبار [در ایران] می‌شوند. رخداد بند موصولی پس از هسته اسمی در زبان آذربایجانی نمونه‌ای از جایگزینی یاد شده است.

8. possessive
9. dative
10. perfective aspect

مضاف‌الیه پیش از مضاف می‌آید.

(4) *mæmlæcæt - imiz-in æršæd mæGam-lar-in šæhadæt-i*

۳ش.ج. ملکی - شهادت اضافی - جمع - مقام ارشد اضافی^۱ - ۳ش.ج. ملکی - مملکت
'شهادت مقامات ارشد مملکت‌مان' (خبر^۲)

مؤلفه^۴: توالی صفت و مبنای مقایسه (صفت پیش از مبنای مقایسه یا پس از آن؟)
به گفته دهقانی (۲۰۰۰، ص ۱۶۳)، در ساخت تفضیلی در زبان آذربایجانی اسم دوم که همان مبنای مقایسه است حالت^۳ از^۴ دارد و پیش از صفت می‌آید.

(5) *æli hæsaen-dæn uja-di*

۳ش.م. حال. فعل اسنادی - بلند از^۳ - حسن علی

'علی از حسن بلندتر است.' (دهقانی، همانجا)

دهقانی (همانجا) افزوده است که در ساخت تفضیلی در زبان آذربایجانی می‌توان پسوند تفضیلی '-تر' را هم مشاهده کرد که به صفت می‌پیوندد. آذربایجانی این پسوند را از زبان فارسی به عاریت گرفته است (یوهانسون^۴ ۱۹۹۸b، ص ۳۲۹).

(6) *æli hæsaen-dæn uja-tær-di*

۳ش.م. حال. فعل اسنادی - تر - بلند از^۳ - حسن علی

'علی از حسن بلندتر است.' (دهقانی، همانجا)

مؤلفه^۵: توالی فعل و گروه حرف‌افزای (گروه حرف‌افزای پیش از فعل می‌آید یا پس از آن؟)
گروه حرف‌افزای پیش از فعل می‌آید. به گفته خوش باطن (۱۳۸۵، ص ۲۵۸)، جای متعارف گروه حرف‌افزای پس از مفعول مستقیم و قبل از فعل است.

(7) *ærax næxost væzir-i dæ⁵ ævvæl sa'at⁶-lar-da*

زمانی^۷ - جمع - ساعت اول هم نشانه اضافه - وزیر نخست عراق

1. genitive

۲. این دسته از نمونه‌ها از یک برنامه تلویزیونی خبر که هر شب ساعت ۲۳ از شبکه استانی سهند در آذربایجان شرقی به زبان آذربایجانی و به مدت تقریباً نیم ساعت پخش می‌شود به دست آمده‌اند. لازم به ذکر است که این نمونه‌ها از یک پیکره زبانی تقریباً ۲۷۰ دقیقه‌ای که در ماه‌های فروردین و اردیبهشت سال ۱۳۹۳ ضبط شده است نقل شده‌اند.

3. ablative

۴. به گفته یوهانسون (همانجا؛ نقل شده در یوهانسون ۱۹۹۲، ص ۲۶)، از آن جایی که پسوند از^۳ (به‌عنوان مثال پسوند -dæn در نمونه نمونه^۶) برای تشکیل ساخت تفضیلی [در زبان آذربایجانی] کفایت می‌کند افزودن '-تر' [به صفت] به لحاظ نحوی حشو است.

۵. da یک پی‌بست (enclitic) قیدی است اما به صورت مجزا نوشته می‌شود (لوئیس (Lewis) ۱۹۶۷، ص ۲۴ و ۲۰۶).

۶. علامت اپوستروف (apostrophe) در واژه "ساعت" و دیگر نمونه‌های موجود در این مقاله، همخوان انسدادی/انفجاری چاکنایی (glottal stop/plosive)، یعنی /ʔ/، را بازنمائی می‌کند. برای آگاهی بیشتر از شیوه رخداد این همخوان غیربومی در زبان آذربایجانی رک. لی (همان، ص ۱۲).

7. temporal

ræ'y-in -i sandiy-a sal-di

۳ش.م. گذشته- بیانداز متممی- صندوق مفعولی- ۳ش.م.ملکی- رأی

'نخست وزیر عراق هم در ساعات اولیه رأی خود را به صندوق انداخت.' (خبر)

مؤلفه ۶: توالی فعل و قید حالت (قید حالت پیش از فعل می‌آید یا پس از آن؟)

قید حالت پیش از فعل می‌آید.

(8) bu Gæləm o Gæləm-dæn yaxçı yaz-ır

۳ش.م. حال. نمود ناقص^۱- بنویس خوب ازی- قلم آن قلم این

'این قلم از آن قلم بهتر می‌نویسد.' (احمدی گیوی ۱۳۸۳، ص ۲۱۲)

مؤلفه ۷: توالی فعل اسنادی و گزاره/ مسند (گزاره/ مسند پیش از فعل اسنادی می‌آید یا پس از آن؟)

گزاره/ مسند پیش از فعل اسنادی می‌آید.

(9) Gız-ın paltar-ı cöhnə-di

۳ش.م. حال. فعل اسنادی- کهنه ۳ش.م.ملکی- لباس اضافی- دختر

'لباس دختر کهنه است.' (دهقانی، همان، ص ۱۴۰)

مؤلفه ۸: توالی فعل "خواستن" و فعل بند پیرو (فعل "خواستن" پیش از فعل بند پیرو می‌آید یا پس از آن؟)

همان‌طور که لی (همان، ص ۱۹۴) و دهقانی (همان، ص ۱۶۵) خاطرنشان کرده‌اند بند متمم/ پیرو در زبان آذربایجانی به صورت متعارف پیش از فعل اصلی می‌آید. در نمونه ۱۰ که شاهدهی برای این مدعا است فعل

بند متمم/ پیرو، یعنی *e'zam olmax* "اعزام شدن"، در هیأت مصدر پیش از فعل بند اصلی، یعنی

istiyibläer "خواسته‌اند"، آمده است.^۲

(10) ayrı tæræf-dæn rus tæbar-lar bir tumar imzali-y-ib

نمود کامل- واج میانجی- امضاء کن طومار یک جمع- تبار روس ازی- طرف دیگر

-lær ci on-da rusiyyæ-li hafızı sülh niru-lar

جمع- نیرو صلح حافظا پسوند صفت‌ساز- روسیه مکانی- آن که ۳ش.ج. حال-

-1-n-in öz mæntæGæ-lær -i-n-æ e'zam

اعزام متممی- واج میانجی- ۳ش.ج.ملکی- جمع- منطقه خود اضافی- واج میانجی- نشانه اضافه-

ol-max-lar-ın-ı isti-y-ib-lær

۳ش.ج. حال- نمود کامل- واج میانجی- بخواه مفعولی- ۳ش.ج.ملکی- جمع- پسوند مصدری- شو

'از طرف دیگر روس تبارها طوماری را امضاء کرده‌اند که در آن خواسته‌اند نیروهای حافظ صلح روسی

به مناطق خود اعزام بشوند.' (خبر)

1. imperfective aspect

نام دیگر این نمود، استمراری (continuous) است.

۲. تشریح پیش‌تر در خصوص ماهیت بندهای پیرو در زبان آذربایجانی ذیل مؤلفه ۱۴ این مقاله آمده است.

در زبان آذربایجانی هم‌چنین این امکان وجود دارد که بند متمم پس از فعل اصلی بیاید. به گفته‌ی لی (همان، ص ۱۹۵)، زبان آذربایجانی این الگوی متمم‌سازی^۱ را از زبان فارسی قرض‌گیری کرده است. در نمونه‌ی ۱۱ که شاهدی برای امکان رخداد بند متمم پس از فعل اصلی در زبان آذربایجانی است فعل "خواستن" به عنوان فعل اصلی پیش از فعل بند پیرو آمده است.

(11) ifrat ɣæra-lar isti-r-lær ukrayn

اکراین ۳ش.ج.حال - نمود ناقص - بخواه جمع - گرا افراط

tarix-i-n-i öz-læri isti-y-æn

پسوندهای موصولی ساز - واج میانجی - بخواه ۳ش.ج - خود مفعولی - واج میانجی - نشانه‌ی اضافه - تاریخ

tæcin yaz-sin-lar

۳ش.ج.حال - وجه تمنائی^۲ - بنویس مثل

'افراط‌گراها می‌خواهند تاریخ اکراین را به شکلی که خودشان دوست دارند بنویسند.' (خبر)

همچنان که دیدیم در زبان آذربایجانی فعل "خواستن" می‌تواند هم پیش از فعل بند پیرو و هم پس از آن بیاید. از این‌رو، در ستون ۸ جدول‌های ۱ و ۲ هر چهار امکان علامت‌گذاری شده‌اند. مؤلفه‌ی ۹: توالی موصوف و صفت (صفت پیش از موصوف می‌آید یا پس از آن؟) صفت پیش از موصوف می‌آید.

(12) yaşıl çöz-lær çirax tæcin yan-ar-di

گذشته - نمود عادت / روزمره^۳ - روشن شو مثل چراغ جمع - چشم سبز

'چشمان سبز همچون چراغ می‌درخشید.' (شهریار، ص ۴۴)

مؤلفه‌ی ۱۰: توالی صفت اشاره و اسم (صفت اشاره پیش از اسم می‌آید یا پس از آن؟)

همچنان که احمدی گیوی (همان، ص ۲۱۲) هم گفته است در زبان آذربایجانی صفت اشاره همانند همه‌ی انواع صفت‌ها از جمله بیانی و پرسشی پیش از اسم می‌آید. احمدی گیوی (همانجا) معروف‌ترین و رایج‌ترین صفات اشاره در آذربایجانی را دو صفت اشاره "bu" "این" و "o" "آن" دانسته است.

(13) bu dünya bir yol cimi-dir biz axiræt musafir-i

نشانه‌ی اضافه - مسافر آخرت ما ۳ش.م. حال. فعل اسنادی - مثل جاده یک دنیا این

'این دنیا مثل یک جاده است (و) ما مسافر آخرتیم.' (شهریار، ص ۱۳۱)

مؤلفه‌ی ۱۱: توالی قید مقدار و صفت (قید مقدار پیش از صفت می‌آید یا پس از آن؟)

قید مقدار پیش از صفت می‌آید.

(14) çox baha

گران خیلی

1. complementation
2. optative mood
3. habitual aspect

‘خیلی گران’ (خوش باطن، همان، ص ۲۵۵)

مؤلفه ۱۲: توالی فعل اصلی و فعل کمکی زمان- نمود (فعل کمکی پیش از فعل اصلی می آید یا پس از آن؟) در زبان آذربایجانی فعل کمکی زمان و نمود وجود ندارد. زمان و نمود فعل تنها به صورت پسوند بازنمائی می شوند که به ستاک فعل می پیوندند. مبحث پسوندهای زمان و نمود در زبان آذربایجانی ذیل مؤلفه ۱۸ آمده است.

مؤلفه ۱۳: توالی ادات استفهام^۱ و جمله (ادات استفهام پیش از جمله (در آغاز) می آید یا پس از آن (در پایان))؟ زبان آذربایجانی فاقد ادات استفهام در سؤالات قطبی^۲ یا اثبات- نفی^۳ مانند ‘آیا’ در زبان فارسی است. به گفته دهقانی (همان، ص ۱۵۹)، سؤالات اثبات- نفی در آذربایجانی تنها از طریق آهنگ خیزان^۴ که بر روی کلمه پایانی می افتد، شکل می گیرند. نمونه ۱۵/۲ که از دهقانی (همانجا) نقل شده است شاهدهی برای سؤالات اثبات- نفی است.

(15/1) o dünæn ɟæl-di

ش^۳م. گذشته- بیا دیروز او

‘او دیروز آمد.’

(15/2) o dünæn ɟæl-di?

ش^۳م. گذشته- بیا دیروز او

‘آیا او دیروز آمد؟’

مؤلفه ۱۴: توالی پیرونمای^۵ بند قیدی/حرف ربط قیدی و بند (حرف ربط بند قیدی پیش از بند می آید یا پس از آن؟)

به گفته کورنفلت (۲۰۰۹، ص ۵۱۹)، یکی از ویژگی های مشترک بین زبان های ترکی تبار وجود بندهای پیرو اسمی شده^۶ در آنها است. به باور وی (همان، ص ۵۳۸)، یکی از معیارهای اسمی بودن بند پیرو، رخداد حالت نمای آشکار بعد از محمول^۷ بند پیرو است. در دو جمله ۱۶ و ۱۷ که به ترتیب نمونه هایی از بندهای پیرو پیرو اسمی شده در زبان ترکی و زبان آذربایجانی هستند می بینیم که پسوند *-I* که حالت مفعولی را نشان می دهد به محمول بند پیرو پیوسته است. ذکر این نکته هم ضروری می نماید که تکواژهای اسم ساز *-me* و *duɣ* هم به ترتیب در دو نمونه ۱۶ و ۱۷ با پیوستن به ستاک های فعلی خود، یعنی به ترتیب *sev* ‘دوست داشته باش’ و *ol* ‘باش’، به بندهای پیرو صورت اسمی داده اند.

1. question particle
2. polar
3. Yes-No
4. rising intonation
5. subordinator
6. nominalised
7. predicate

(16) [Ahmed-in ben-i sev-me-si]

۳ش.م.ملکی - تکواژ اسم‌ساز - دوست داشته باش مفعولی - من اضافی - احمد

-n-i isti-yor-um

۱ش.م. حال - نمود ناقص - بخواه مفعولی - واج میانجی -

من از احمد می‌خواهم که دوستم داشته باشد. (کورنفیلت، همان، ص ۵۳۹)

(17) o æsʃæɾ-lær-in Gæl'æ-dæ ol-duɣ-un-u

مفعولی - ۳ش.ج.ملکی - جمع - تکواژ اسم‌ساز - باش مکانی - قلعه اضافی - جمع - سرباز او

bil-ir-di

۳ش.م. گذشته - نمود ناقص - بدان

او می‌دانست که سربازان در قلعه هستند. (هیئت ۱۳۸۰، ص ۲۷)

کورنفیلت (همان، ص ۵۳۹؛ ۱۹۹۷، ص ۶۷) در خصوص بندهای قیدی در زبان ترکی تصریح کرده است که اکثر این بندها هم اسمی شده هستند. مثال زیر از کورنفیلت (۱۹۹۷، ص ۶۷) نمونه‌ای از بندهای قیدی اسمی شده در زبان ترکی است.

(18) [[Margaret Thatcher istifa et-tiğ-i] ičın]

برای این که ۳ش.م.ملکی - تکواژ اسم‌ساز - کن استعفا تاچر مارگارت

üzül-dü-c

۱ش.ج. - گذشته - ناراحت شو

ما از اینکه مارگارت تاچر استعفا کرد ناراحت شدیم.

در زبان آذربایجانی هم، بندهای قیدی می‌توانند در هیأت بندهای اسمی شده تظاهر یابند. نمونه زیر شاهی برای این مدعا است.

(19) mæn mæriz ol-duɣ-um-a jöræ ev-dæ

مکانی - خانه - به خاطر متممی - ۱ش.م.ملکی - تکواژ اسم‌ساز - باش مریض من

Gal-dı-m

۱ش.م. - گذشته - بمان

من به خاطر این که مریض بودم در خانه ماندم. (نگارنده)

هم‌چنین بندهای قیدی در زبان آذربایجانی همانند زبان ترکی می‌توانند در هیأت بند مصدری^۱ نمود یابند. مثال‌های ۲۰ و ۲۱ به ترتیب نمونه‌هایی از بندهای قیدی مصدری در زبان ترکی و زبان آذربایجانی هستند.

(20) Hasan citab-ı [[san-a ver-mek] ičın al-di]

۳ش.م. گذشته - بخر به خاطر پسوند مصدری - بده بهره‌وری^۲ - تو مفعولی - کتاب حسن

حسن کتاب را خرید تا به تو بدهد. (کورنفیلت ۱۹۹۷، ص ۷۳)

1. infinitival clause

2. benefactive

(21) o bütün Guruh-lar-dan istæ-di **ixtilaf-lar-ı** **Gurtar**

تمام کن مفعولی - جمع - اختلاف ۳م. گذشته - بخواه ازی - جمع - گروه تمام او

-maj **üçün** muzaciri-y-æ **başla-sın-lar**

۳ش.ج. حال - وجه تمنائی - شروع کن متممی - واج میانجی - مذاکره برای این که پسوند مصدری -

او از تمامی گروه‌ها خواست برای پایان دادن به اختلاف‌ها شروع به مذاکره کنند. ۴ (خبر)

بندهای قیدی در هر دو زبان آذربایجانی و ترکی علاوه بر این که می‌توانند به دو شکل اسمی شده و مصدری ظاهر شوند می‌توانند در هیأت بند اسم مصدری^۱ هم تظاهر یابند. به گفته کورنفیلت (۲۰۰۹، ص ۵۳۹)، چنین بندهای قیدی در زبان ترکی رایج‌ترین بندهای قیدی هستند که محمول آن‌ها ناخودایستا و فاقد پسوند مطابقت فاعلی است و چنین محمولی در سنت، فعل قیدگون^۲ نامیده می‌شود. نمونه زیر شاهدهی برای بندهای قیدی اسم مصدری در ترکی است.

(22) [müdüür tatil-e **çik-mja**] ofis-i kappa-dı-k

۱ش.ج - گذشته - بند مفعولی - دفتر پسوند اسم مصدری - برو متممی - تعطیل مدیر

هنگامی که مدیر به مسافرت رفت ما دفتر را بستیم. ۴ (کورنفیلت، همان، ص ۶۸)

در مثال ۲۲ محمول بند قیدی، یعنی **çik-mja**، که یک فعل قیدگون است زمان رخداد فعل بند پایه، یعنی بستن دفتر، را بیان می‌کند. نمونه ۲۳ هم شاهدهی برای بندهای قیدی اسم مصدری در زبان آذربایجانی است.

(23) axı **dünya-n-ı** **at-ar-cæn** ici-miz şirin

شیرین ۱ش.ج - دو در حالی که - نمود روزمره - رها کن مفعولی - واج میانجی - دنیا آخه

yat-ar-dıG

۱ش.ج. گذشته - نمود روزمره - بخواب

آخه در حالی که دنیا را رها می‌کردیم ما دوتا شیرین می‌خوابیدیم. ۴ (شهریار، ص ۱۹۳)

پس اضافه‌های *Foræ* و *üçün* به ترتیب در مثال‌های ۱۹ و ۲۱ و پسوند *-cæn* در جمله ۲۳ نشان می‌دهند که در زبان آذربایجانی پیرونیامی بند قیدی پس از بند می‌آید. با این حال، در این زبان می‌توان بندهای قیدی‌ای را یافت که در آن‌ها پیرونیامی پیش از بند قیدی آمده است. شایسته ذکر است که رخداد پیرونیامی بند قیدی پیش از بند همانند رخداد بند موصولی پس از هسته اسمی و رخداد فعل خواستن پیش از بند پیرو در زبان آذربایجانی محصول تماس این زبان با زبان فارسی است. جمله ۲۴ نمونه‌ای از رخداد پیرونیامی بند قیدی پیش از بند در زبان آذربایجانی است. در جمله ۲۴ دو پیرونیامی قیدی وجود دارد: (الف) *o zaman ci* "زمانی که" که پیش از بند قیدی آمده است و (ب) *üçün* "برای" که پس از بند قیدی آمده است.

1. gerundive clause

2. converb

(24) *o zaman ci bir məmləcət-in hacimiyyət-i təhdid*

تهدید ۳ش م.ملکی- حاکمیت اضافی- مملکت یک که زمان آن

ol-a **özü-n-i** **hifz elə-may**

پسوند مصدرساز- کن حفظ مفعولی- واج میانجی- خود ۳ش م.حال.وجه التزامی^۱- شو

üçün hær vəsilə- dæn istifadə eli-y-ær

۳ش م.حال. نمود روزمره- واج میانجی- کن استفاده ازی- وسیله هر برای

‘هنگامی که حاکمیت یک مملکت تهدید شود برای این که خود را حفظ کند از هر وسیله‌ای استفاده می‌کند.’ (خبر)

همچنان که دیدیم در زبان آذربایجانی پیرومای بند قیدی می‌تواند هم پیش از بند و هم پس از آن بیاید. از این رو، در ستون ۱۴ جدول‌های ۱ و ۲ هر چهار امکان علامت‌گذاری شده‌اند. مؤلفه ۱۵: توالی حرف تعریف و اسم (حرف تعریف پیش از اسم می‌آید یا پس از آن؟) حرف تعریف پیش از اسم می‌آید. شایسته ذکر است که به گفته دهقانی (۲۰۰۰، ص ۱۳۷)، در زبان آذربایجانی حرف تعریف معرفه‌ساز وجود ندارد اما حرف تعریف نکره‌ساز در آن “bir” است. دهقانی (همانجا) نمونه زیر را به عنوان شاهدی برای کاربرد حرف تعریف نکره‌ساز آورده است.

(25) *mæn bir ciši ƒör-dü-m*

۱ش م- گذشته- بین مرد یک من

‘من مردی را دیدم.’

به گفته دهقانی (همانجا)، در صورتی که یک گروه اسمی فاقد حرف تعریف نکره‌ساز باشد اما حالت‌نمایی^۲ به آن پیوسته باشد آن گروه اسمی، معرفه است. دهقانی نمونه زیر را به عنوان شاهد آورده است.

(26) *mæn ciši-n-i ƒör-dü-m*

۱ش م- گذشته- بین مفعولی- واج میانجی- مرد من

‘من مرد را دیدم.’

دهقانی (همانجا) هم‌چنین به این نکته اشاره کرده است که در صورت عدم وجود حرف تعریف نکره‌ساز پیش از اسم و حالت‌نما پس از اسم، اسم مورد نظر نکره نامشخص^۳ است. مثال زیر شاهدی برای این مدعا است.

(27) *mæn alma ye-di-m*

۱ش م- گذشته- بخور سیب من

1. subjunctive mood

2. case marker

لویس (۱۹۶۷، ص ۳۵-۳۶) حالت‌نمای مفعولی، یعنی I- را نشانه معرفه بودن مفعول فعل می‌داند، یعنی مفعول فعل به واسطه

حالت‌نمای مفعولی به تنهایی و نیز به همراه صفات اشاره و ضمائر شخصی (پسوندهای آزاد)، معرفه است.

3. unspecified indefinite

‘من سیب (سی) خوردم.‘ (دهقانی، همانجا)

به باور نگارنده، *alma* “سیب” در نمونه بالا که پیش‌تر نقش مفعول صریح را دارا بود با از دست دادن نشانه‌های دستوری وابسته به خود از جمله پسوند $(n)i$ که حالت‌نمای مفعولی است به فعل منظم شده است و در نتیجه، به همراه فعل ساده یک فعل مرکب انضمامی تشکیل داده‌اند. به گفته دبیرمقدم (۱۳۸۴، ص ۱۷۶)، پس از انضمام^۱، اسم منضم و فعل مشترکاً و مجموعاً یک کل و واحد معنایی را تشکیل می‌دهند که در آن اسم منضم اسم جنس^۲ و غیرارجاعی^۳ است و تنها سیطره^۴ معنایی فعل را تحدید می‌کند، در حالی که در ساخت غیرمنضم، مفعول ارجاعی است. در زیر نمونه‌ای را می‌بینیم که در آن هم حرف تعریف نکره‌ساز پیش از اسم، یعنی *day* “کوه”، آمده است و هم حالت‌نمای مفعولی به آن اسم پیوسته است.

(28) *mæn cičic bir day -i sær mænzele ænGa elæ-di-m*

۱ش م- گذشته- کن عنقا منزل سر مفعولی- کوه یک کوچک من

‘من کوه کوچکی را سرمنزل عنقا کردم.‘ (شهریار، ص ۲۳۰)

به گفته لویس (همان، ص ۲۴۸)، وجود پسوند مفعولی که معرفه بودن مفعول را نشان می‌دهد مانع از حضور *bir* پیش از مفعول نمی‌شود، چرا که *bir* علاوه بر این که حرف تعریف نکره‌ساز است به معنی عدد ‘یک’ هم است. با این حال، بر اساس گفته لویس (همانجا)، در مثال ۲۸ از *bir* بیش‌تر مفهوم ‘نکره‌بودگی’ مستفاد می‌شود تا ‘مفردبودگی’. یعنی در جمله ۲۸ این استنباط به دست می‌آید که من ‘کوه کوچک خاصی’ را سرمنزل عنقا کردم.

مؤلفه ۱۶: توالی فعل و فاعل (فاعل پیش از فعل می‌آید یا پس از آن؟)
فاعل پیش از فعل می‌آید.

(29) *mašin biz-i tæbi'æt-dæn ayır-ib*

۳ش م. حال. نمود کامل- جداکن ازی- طبیعت مفعولی- ما ماشین

‘ماشین ما را از طبیعت جدا کرده است.‘ (شهریار، ص ۱۶۴)

مؤلفه ۱۷: توالی عدد و اسم (عدد پیش از اسم می‌آید یا پس از آن؟)
عدد پیش از اسم می‌آید.

(30) *bu mæntæGæ-dæ yaši-y-æn*

min xanivar-dan üš

سی ازی- خانوار هزار پسوند موصولی ساز- واج میانجی- زندگی کن مکانی- منطقه این

yüz xanivar torpağ alt-ın-da Gal-ib yeddi yüz

صد هفت نمود کامل- بمان مکانی- نشانه اضافه- زیر خاک خانوار صد

1. incorporation
2. generic noun
3. non-referential
4. scope

xanivar ayrı æmn yer-æ cöç-üip-lær

۳ش.ج.حال - نمود کامل - کوچ کن متممی - جا امن دیگر خانوار

از میان هزار خانواری که در این منطقه زندگی می‌کنند سی صد خانوار زیر خاک مانده (اند) (و)

هفت صد خانوار به جای امن دیگری کوچ کرده‌اند.^۴ (خبر)

مؤلفه ۱۸: توالی وند زمان - نمود و ستاک فعل (وند زمان - نمود پسوند ستاک فعل است یا پیشوند آن؟)

وند زمان - نمود نسبت به ستاک فعل پسوند است، چرا که آذربایجانی زبانی 'پسوندی' است.

(31) **ᶑöy ot bit-ib** **ᶑül ač-ib** yaz

بهار ۳ش.م. حال. نمود کامل - باز کن گل ۳ش.م. حال. نمود کامل - رشد کن علف سبز

ᶑæl-ib **oxu-r** **GazalaG**

چکاوک ۳ش.م. حال. نمود ناقص - بخوان ۳ش.م. حال. نمود کامل - بیا

علف سبز رشد کرده است، گل شکفته است، بهار آمده است، چکاوک می‌خواند.^۴ (شهریار، ص ۱۶۷)

مؤلفه ۱۹: توالی اسم و وند ملکی (وند ملکی پیشوند است یا پسوند؟)

همچنان که ذیل مؤلفه ۱۸ هم گفته شد زبان آذربایجانی پسوندی است. از این رو، وند ملکی هم پسوند است.

(32) **ᶑism-im** **Goᶑal-sa** **da hælæ ešG-im**

۱ش.م. ملکی - عشق هنوز هم ۳ش.م. حال. وجه شرطی^۲ - پیر شو ۱ش.م. ملکی - جسم

Goᶑal-mi-y-ub

۳ش.م. حال. نمود کامل - واج میانجی - منفی - پیر شو

اگر جسمم هم پیر شده باشد عشقم هنوز پیر نشده است.^۴ (شهریار، ص ۱۱۵)

مؤلفه ۲۰: توالی فعل اصلی و فعل (های) کمکی در مفهوم "توانستن" (آیا فعل "توانستن" پیش از فعل اصلی

می‌آید یا پس از آن؟)

فعل کمکی (وجهی^۳) "توانستن" در زبان آذربایجانی ترکیبی از پسوند وجهی^۴ A(y)- و فعل کمکی bil

"بدان" است (رک. لی ۱۹۹۶، ص ۱۶۳) و پس از فعل اصلی می‌آید.

(33) **orda** **Gar da yaᶑ-ar** **amma daha** **ᶑül-lær**

جمع - گل دیگر ۳ش.م. حال. نمود روزمره - بیار هم برف آن جا

1. suffixing
2. conditional mood
3. modal
4. modal suffix

sol -a bil-mæz¹

۳ش.م.حال.نمود روزمره منفی-بدان پسوند وجهی - پژمرده شو

‘آنجا برف هم می بارد اما دیگر گل ها نمی توانند پژمرده بشوند.’ (شهریار، ص ۷۴)

مؤلفه ۲۱: توالی متمم نما^۲ و جمله متمم (نشانه بند متمم/ پیرو یا همان متمم نما در آغاز جمله پیرو/ متمم می آید یا در پایان آن؟)

متمم نما در آغاز جمله متمم/ پیرو می آید.

(34) cænd æhl-i bil-ær-lær ci došab-sız xæšil

خشیل بدون- دوشاب که ۳ش.ج.حال- نمود روزمره- بدان نشانه اضافه- اهل روستا

ol-maz

۳ش.م.حال. نمود روزمره منفی- باش

‘روستائیان می دانند که خشیل (خاشیل)^۳ بدون دوشاب به دست نمی آید.’ (شهریار، ص ۶۱)

(35) o bil-ir-di ci æsɟær-lær Gæl’æ-dæ -di-lær

۳ش.ج- حال. فعل اسنادی- مکانی- قلعه جمع- سرباز که ۳ش.م.گذشته- نمود ناقص- بدان او

‘او می دانست که سربازان در قلعه هستند.’ (هیئت ۱۳۸۰، ص ۲۷)

شایسته ذکر است که زبان آذربایجانی متمم نمای *ci* “که” را از زبان فارسی قرض گیری کرده است (یوهانسون ۱۹۸۸). به گفته هیئت (همانجا)، جمله زیر که تکرار مثال ۱۷ می باشد صورت زیربنائی جمله ۳۵ است.

(36) o æsɟær-lær-in Gæl’æ-dæ ol-duɣ-un-u

مفعولی- ۳ش.ج.ملکی- تکواژ اسم ساز- باش مکانی- قلعه اضافی- جمع- سرباز او

۱. به گفته لویس (همان، ص ۱۲۰-۱۲۱)، صورت منفی پسوند روزمره، یعنی Γ (æ/a)-، -mez- است که برای اول شخص مفرد و جمع به شکل -me- تجلی می یابد. در زیر یکی از شواهد لویس (همانجا) در زبان ترکی را می بینیم.

al-ma-m

۱ش.م.حال. پسوند روزمره منفی- بگیر

‘من نمی گیرم.’

al-maz-sin

۲ش.م.حال. پسوند روزمره منفی- بگیر

‘تو نمی گیری.’

شایسته ذکر است که در زبان آذربایجانی برخلاف زبان ترکی، در تصریف گونه منفی پسوند روزمره برای اول شخص مفرد و جمع، خود پسوند روزمره، یعنی Γ (æ/a)-، ظاهر می شود.

al-ma-r-am

۱ش.م.حال. پسوند روزمره- منفی- بگیر

‘من نمی گیرم.’

al-ma-r-ix

۱ش.ج.حال. پسوند روزمره- منفی- بگیر

‘ما نمی گیرم.’

2. complementizer

۳. خشیل یکی از چاشت های مردم آذربایجان است و مخلوطی است از آرد گندم و شکر و مقدار کمی نمک که آن را با آب می پزند تا مانند شیربرنج سفت شود.

bil-ir-di

۳ش م. گذشته - نمود ناقص - بدان

‘او می‌دانست که سربازان در قلعه هستند.’

جالب است بدانیم که تحلیل هیئت از رخداد متمم‌نمای *ci* در آذربایجانی و اشتقاق جمله ۳۵ از صورت زیربنائی ۳۶ همسو با باور کورنفیلت (۲۰۰۹، ص ۵۱۹) در خصوص بندهای پیرو اسمی شده در زبان‌های ترکی تبار است. همان طور که ذیل مؤلفه ۱۴ هم آمده است رخداد پسوند مفعولی، یعنی *-I*، پس از محمول بند پیرو در نمونه ۳۶ یکی از دلایل اسمی بودن بند پیرو در زبان آذربایجانی است. مؤلفه ۲۲: حرکت پرسش‌واژه (پرسش‌واژه در جای اصلی خود می‌ماند یا این که الزاماً به ابتدای جمله حرکت می‌کند؟)

پرسش‌واژه در جای اصلی خود می‌ماند.

(37) bu hæya-sız ʃün-æ ʃöz-lær næ Gædær zillæn-sin?

۳ش ج. وجه تمنائی - خیره شو قدر چه جمع - چشم متممی - خورشید بی - حیا این

‘این چشم‌ها چه قدر به این خورشید بی حیا خیره شوند؟’ (شهریار، ص ۱۱۴)

مؤلفه ۲۳: توالی مفعول و فعل (مفعول پیش از فعل می‌آید یا پس از آن؟)

به گفته دبیرمقدم (۱۳۹۲، ص ۱۲۷)، با این که این مؤلفه نه در مقاله ۱۹۹۲ درایر به عنوان جفت همبستگی مطرح است و نه در پایگاه داده‌های او، اما به توصیه درایر این مؤلفه لازم است ملحوظ گردد زیرا ترتیب خطی مفعول نسبت به فعل را نشان می‌دهد. در زبان آذربایجانی مفعول پیش از فعل می‌آید. نمونه‌های زیر شواهدی برای این مدعا هستند.

(38) dušmæn biz-æ diš-lær-in-i Gırd-ır

۳ش م. حال. نمود ناقص - تیز کن مفعولی - ۳ش م. ملکی - جمع - دندان زیان‌وری^۱ - ما دشمن

‘دشمن دندان‌هایش را برای ما تیز می‌کند.’ (شهریار، ص ۱۲۵)

(39) o æsʃær-lær-in Gæl’æ-dæ ol-duy-un-u

مفعولی - ۳ش ج. ملکی - تکواژ اسم‌ساز - باش مکانی - قلعه اضافی - جمع - سرباز او

bil-ir-di

۳ش م. گذشته - نمود ناقص - بدان

‘او می‌دانست که سربازان در قلعه هستند.’

در نمونه ۳۹ که تکرار مثال‌های ۱۷ و ۳۶ است می‌بینیم که مفعول در هیأت ‘بند اسمی شده’ نمود یافته است. به گفته دهقانی (۲۰۰۰، ص ۱۷۳)، بین فعل و فاعل این بند رابطه ملکیت برقرار است؛ بدین شکل که فاعل

1. malefactive

در حالت ‘زیان‌ور’، شخصی از کنشی زیان و آسیب می‌بیند (بر خلاف حالت بهره‌ور) (دبیرمقدم، همان، ص ۲۱۳).

این بند مالک و فعل آن هم مملوک است. پیوستن پسوند حالت‌نما، یعنی *-u* مفعولی، به فعل بند مفعولی تبیینی برای اسمی بودن بند مورد نظر است.

هم‌چنین در زبان آذربایجانی این امکان وجود دارد که مفعول بتواند در هیأت بند متممی زمان‌دار ظاهر شود که در این صورت مفعول به طور معمول پس از فعل می‌آید. ذکر این نکته ضروری است که امکان رخداد مفعول در هیأت بند متممی زمان‌دار پس از فعل محصول تماس این زبان با زبان فارسی بوده است. نمونه زیر که تکرار مثال ۳۴ است شاهدهی برای رخداد مفعول به شکل بند زمان‌دار می‌باشد.

(40) *cænd æhl-i bil-ær-lær ci došab-sız xæšil*

خشیل بدون-دوشاب که ۳ش.ج. حال-نمود روزمره-بدان نشانه اضافه-اهل روستا

ol-ma-z

۳ش.م. حال. نمود روزمره-منفی-باش

از آن جایی که ترتیب خطی مفعول و فعل در آذربایجانی همان ترتیبی است که در زبان فارسی وجود دارد نگارنده به پیروی از دبیرمقدم (همان، ص ۱۲۷) در ستون ۲۳ جدول‌های ۱ و ۲ دو خانه قوی را علامت‌گذاری کرده است.

مؤلفه ۲۴: توالی وند منفی‌ساز و ستاک فعل (وند منفی‌ساز پیشوند است یا پسوند؟)

وند منفی‌ساز در زبان آذربایجانی، یعنی *-ma*، پسوند است. در نمونه زیر پسوند منفی‌ساز به ستاک فعل، یعنی *ol* "باش"، پیوسته است.

(41) *mašin-nar¹-a šumaræ ver-max mæhdud ol-mi*

منفی-باش محدود پسوند مصدرساز-بده شماره متممی-جمع-ماشین

-y-ib-di

۳ش.م. حال-نمود کامل-واج میانجی-

^۱شماره گذاری ماشین‌ها محدود نشده است. (خبر)

۲-۳. توصیف وضعیت رده‌شناختی بر اساس مؤلفه‌های ترتیب واژه‌ها

وضعیت رده‌شناختی زبان آذربایجانی بر اساس مؤلفه‌های ترتیب واژه‌ها در جدول‌های ۱ و ۲ نشان داده شده است. جدول ۱ وضعیت این زبان را در مقایسه با زبان‌های اروپا-آسیا نشان می‌دهد و جدول ۲ وضعیت این زبان را در مقایسه با زبان‌های جهان آشکار می‌سازد. همان طور که این دو جدول نشان می‌دهد دو مؤلفه ۱۲ و ۱۳ در زبان آذربایجانی وجود ندارند. بنابراین، وضعیت رده‌شناختی این زبان عملاً با توجه به ۲۲ مؤلفه ترتیب واژه‌ها توصیف می‌شود.

۱ nar - صورت همگون یافته *-lar* (پسوند جمع) است.

جدول ۱: آذربایجانی در مقایسه با زبان‌های اروپا-آسیا

	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
فعل پایانی قوی	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	x				x	x	x	x	x	x	x	x	x	x	
فعل پایانی ضعیف											x						x						x		
فعل میانی ضعیف	x		x		x						x						x	x	x	x	x		x	x	
فعل میانی قوی			x	x		x	x	x	x	x	x				x	x	x	x					x	x	

جدول ۱ نشان می‌دهد که زبان آذربایجانی دارای ۲۲ مؤلفه، یعنی تمامی مؤلفه‌های موجود، از مؤلفه‌های زبان‌های فعل پایانی قوی (فعل پس از مفعول) و برخوردار از ۱۴ مؤلفه از مؤلفه‌های زبان‌های فعل میانی قوی می‌باشد. این نسبت تقریباً عیناً در جدول ۲ نیز مشهود است. همان طور که جدول ۲ نشان می‌دهد زبان آذربایجانی در مقایسه با زبان‌های جهان برخوردار از ۱۸ مؤلفه از مؤلفه‌های زبان‌های فعل پایانی قوی و ۱۲ مؤلفه از مؤلفه‌های زبان‌های فعل میانی قوی است. به بیانی دیگر، آذربایجانی هم در مقایسه با زبان‌های اروپا-آسیا و هم در مقایسه با زبان‌های جهان غالباً دارای مؤلفه‌های زبان‌های فعل پایانی قوی است.

جدول ۲: آذربایجانی در مقایسه با زبان‌های جهان

	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
فعل پایانی قوی	x	x	x	x	x		x		x	x				x	x		x	x	x	x	x	x	x	x	
فعل پایانی ضعیف							x	x		x	x						x	x					x		
فعل میانی ضعیف	x			x							x						x	x	x	x	x	x	x	x	
فعل میانی قوی			x	x	x		x	x	x	x	x			x			x						x		

شایسته ذکر است که مؤلفه‌های ۲، ۸، ۱۴، ۲۱، و ۲۳ از مؤلفه‌های زبان‌های فعل میانی قوی، هم در مقایسه با زبان‌های اروپا-آسیا و هم در مقایسه با زبان‌های جهان، مؤلفه ۲۱ از مؤلفه‌های زبان‌های فعل پایانی قوی در مقایسه با زبان‌های اروپا-آسیا، و مؤلفه‌های ۲ و ۲۱ از مؤلفه‌های زبان‌های فعل پایانی قوی

قوی در مقایسه با زبان‌های جهان، در زبان آذربایجانی محصول تماس و همگرایی این زبان با زبان فارسی هستند.^۱ به بیانی دقیق‌تر، زبان آذربایجانی ساخت بند موصولی پس‌رو (مؤلفه ۲)، امکان رخداد بند متمم به همراه متمم‌نمای خود پس از فعل "خواستن" (مؤلفه ۸)، امکان رخداد حرف ربط بند قیدی پیش از بند (مؤلفه ۱۴)، امکان رخداد متمم‌نما در آغاز جمله پیرو/متمم (مؤلفه ۲۱) و امکان رخداد مفعول در هیأت بند متممی زمان‌دار پس از فعل (مؤلفه ۲۳) را از زبان فارسی قرض‌گیری کرده است.

۴. نتیجه‌گیری و بحث

توصیف رده‌شناختی ترتیب واژه‌ها در زبان آذربایجانی، ذیل شاخه غربی جنوبی زبان‌های ترکی تبار، با توجه به ۲۲ مؤلفه رده‌شناختی موجود در این زبان (از میان ۲۴ مؤلفه مطرح در چارچوب برگزیده برای این مقاله) نشان می‌دهد که این زبان هم در مقایسه با زبان‌های منطقه خود (اروپا-آسیا) و هم در مقایسه با زبان‌های جهان غالباً دارای مؤلفه‌های زبان‌های فعل‌پایانی قوی است. از سوی دیگر، جدول‌های ۱ و ۲ نشان می‌دهد که زبان آذربایجانی در مقایسه با زبان‌های اروپا-آسیا و زبان‌های جهان به ترتیب برخوردار از ۱۴ و ۱۲ مؤلفه از مؤلفه‌های زبان‌های فعل‌میانی قوی می‌باشد. ذکر این نکته هم ضروری می‌نماید که زبان آذربایجانی ۵ مؤلفه از مؤلفه‌های زبان‌های فعل‌میانی قوی، هم در مقایسه با زبان‌های اروپا-آسیا و هم در مقایسه با زبان‌های جهان، ۱ مؤلفه (مؤلفه ۲۱) از مؤلفه‌های زبان‌های فعل‌پایانی قوی، در مقایسه با زبان‌های اروپا-آسیا، و ۲ مؤلفه (مؤلفه‌های ۲ و ۲۱) از مؤلفه‌های زبان‌های فعل‌پایانی قوی، در مقایسه با زبان‌های جهان، را به واسطه تماس و همگرایی با زبان فارسی به دست آورده است. این همگرایی همسو با دیدگاه دبیرمقدم (۱۳۹۲، ص ۱۴۲) است. وی چنین ابراز عقیده کرده است که با توجه به این که زبان فارسی به عنوان زبان رسمی کشور از پایگاه اجتماعی، فرهنگی، و ادبی استواری برخوردار است می‌توان پیش‌بینی کرد که این زبان به عنوان 'لایه زیرین'^۲ همچنان ویژگی‌ها و مؤلفه‌های رده‌شناختی خود را به زبان‌های دیگر ایران به عنوان 'لایه زیرین'^۳ منتقل خواهد کرد و این قرض‌گیری و تأثیرپذیری، به همگرایی ساختاری بیش‌تر این زبان‌ها با زبان فارسی خواهد انجامید. گفتنی است که نگارنده بر اساس مشاهدات شخصی چنین تصور می‌کند که، همسو با پیش‌بینی دبیرمقدم، گونه گفتاری زبان آذربایجانی در مقایسه با گونه نوشتاری/معیار آن همگرایی بیش‌تری با زبان فارسی دارد.

۱. به گفته یوهانسون (۱۹۸۸)، آذری (آذربایجانی) زبان ترکی تباری است که شاید پس از ازبکی (Uzbek) (متعلق به گروه زبان‌های اوغور یا گروه زبان‌های شرقی جنوبی زبان‌های ترکی تبار (رک. یوهانسون ۱۹۹۸، ص ۸۳)) بیش‌ترین میزان تأثیر را، به‌ویژه در واج‌شناسی، نحو، و واژگان و کم‌تر در صرف، از زبان ایرانی [فارسی] پذیرفته است.

2. superstratum

3. substratum

منابع

- احمدی گیوی، حسن (۱۳۸۳)، *دستور تطبیقی زبان ترکی و فارسی*، چاپ اول. تهران: قطره.
- خوش باطن، حسین (۱۳۸۵)، *مطالعه ساختار نحوی زبان ترکی از دیدگاه رده‌شناسی*، چاپ اول. تبریز: مؤلف.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۴)، *پژوهش‌های زبان‌شناسی فارسی*، چاپ اول. بهران: مرکز نشر دست‌های.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۹۲)، *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*، جلد ۱. چاپ اول. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- دلجوی، فریده (۱۳۷۶)، *ساخت موصولی در زبان ترکی آذری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- شهریار، محمد حسین (۱۳۷۹)، *کلیات اشعار ترکی شهریار: به انضمام حیدریابابیه سلام*. چاپ سیزدهم. تهران: زرین.
- هیئت، جواد (۱۳۸۰)، *سیری در تاریخ زبان و لهجه‌های ترکی*. چاپ سوم. تهران: پیکان.
- Comrie, Bernard (1989). *Language Universals and Linguistic Typology: Syntax and Morphology*, 2nd edn. The University of Chicago Press.
- Dehghani, Yavar (2000). *A grammar of Iranian Azeri: Including Comparisons with Persian*, München: Lincom Europa.
- Dryer, Matthew S. (1992). "The Greenbergian Word Order Correlations", *Language* 68, 81-138.
- Dryer, Matthew S. (2007). "Word Order", In T. Shopen (Ed.), *Language Typology and Syntactic Description, vol. I: Clause Structure*, 2nd ed. (pp. 61-131), Cambridge: Cambridge University Press.
- Igarashi, Yuko (2003). "Japanese as an Altaic Language: An Investigation of Japanese Genetic Affiliation Through Biological Findings", (Available online at <http://journals.uvic.ca/index.php/WPLC/article/view/5163>, Accessed on 2014-08-23).
- Johanson, Larse (1988). "Iranian Elements in Azeri Turkish", In E. Yarshater (Ed.), *Encyclopaedia Iranica*, (pp. 248b-251a), London, New York.
- Johanson, Larse (1998a). "The History of Turkic", In Larse Johanson & Éva Ágnes Csató (Eds.), *The Turkic Languages*, 1st edn. (pp. 81-125), London and New York: Routledge.
- Johanson, Larse (1998b). "Code-Copying in Irano-Turkic", *Language Sciences* 20 (3), 325- 337.
- Kornfilt, Jaklin (1997). *Turkish*, London and New York: Routledge.
- Kornfilt, Jaklin (2009). "Turkish and the Turkic Languages", In Bernard Comrie (Ed.), *The World's Major Languages*, 2nd edn. (pp. 519- 544), London and New York: Routledge.
- Lee, Sooman N. (1996). *A Grammar of Iranian Azerbaijani*, Ph.D. dissertation in Linguistics, University of Sussex, England.

-
- Lewis, Geoffrey L. (1967). *Turkish Grammar*, Oxford, New York: Oxford University Press.
- Menges, Karl H. (1995). *The Turkic Languages and Peoples: an Introduction to Turkic Studies*, 2nd edn. Wiesbaden: Harrassowitz.